

## منظر شهری

علی یوسفی<sup>۱</sup>، عطیه صادقی<sup>۲\*</sup>، ساره عبداللہی<sup>۳</sup>، مرتضیٰ چرخ زرین<sup>۴</sup>

پردیس دانشگاه فردوسی - دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر شریعتی - گروه علوم اجتماعی

*yousofi@um.ac.ir*

## چکیده

منظر شهری از مهم ترین مباحث و مسائل شهری است که مورد توجه معماران، طراحان و روانشناسان محیط و جامعه شناسان قرار گرفته است. امروزه در جهان توسعه یافته، شهرها به صورت شرکت های رقیب عمل می کنند که تلاش دارند سهم بیشتری از بازار سرمایه، استعدادهای برجسته و توجه جهانی را به خود اختصاص دهند. بدین

---

<sup>۱</sup>عضو هیات علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، *yousofi@um.ac.ir*

<sup>۲</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، *atiye.sadeghy@gmail.com*

<sup>۳</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، *abdollahi\_sare@yahoo.com*

<sup>۴</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، *goldensky۶۷@yahoo.com*

ترتیب برای تدارک منظرهای شهری خوب و برجسته با یکدیگر رقابت می کنند. بنابراین منظر شهری جدا از نقش آن به عنوان لایه ای در شکل گیری فرم شهری، به عنوان ابزاری در خدمت دولت ها و حکومت ها قرار دارد تا توان جذب گردشگران و سرمایه های جهانی را افزایش دهد. بنابراین شهرهای برخوردار از محیط بصری مطلوب قادرند با افزایش تجربه زیباشناختی شهروندان، موجبات ارتقای تصویر ذهنی جامعه از خویش و تقویت غرور مدنی آنان را فراهم سازند. ولی متأسفانه شناخت ماهیت منظر شهری، با نوعی سطحی نگری در تعاریف علمی مواجه شده است. خطر جدی این است که در مدت کوتاه شناخت آن در ایران، به دلیل تعاریف شخصی و سلیقه ای، تا حد یک مفهوم خرد و کوچک تقلیل یابد. لزوم تبیین مفهوم منظر شهری در هر حوزه تخصصی مطرح است و توجه به این موضوع بویژه در ایران، به دلیل توسعه سریع حوزه های تخصصی و رشته های نوین اهمیت بیشتری دارد بر این اساس اهداف تحقیق حاضر عبارت است از: ارایه ی تعریفی از منظر شهری، ابعاد آن و ارایه ی عوامل موثر بر منظر شهری.

واژه های کلیدی: شهر، فضای شهری، مکان، منظر شهری

## ۱- مقدمه

شهر تجلی حیات انسان است که در زمان و مکان تبلور می یابد (نوروزی طلب، ۱۳۸۹). و به عنوان بزرگ ترین دستاورد بشر طی ادوار گذشته و حال، مورد بررسی و پژوهش بسیار قرار گرفته و نفوذ علوم جدید به حوزه محیط مصنوع، نظریه های جدید را مرتبط با شهر پدید آورده است (آتشین بار، ۱۳۸۹).

مقوله منظر شهری از مهم ترین مباحث و مسائل شهری است که مورد توجه معماران، طراحان و برنامه ریزان شهری، معماران منظر، طراحان و روانشناسان محیط و جامعه شناسان به شمار می رود (ملکی، ۱۳۸۹). منظر شهری چیزی فراتر از یک مسئله برنامه ریزی و طراحی شهری است. منظر شهری در درجه نخست مسئله ارزش ها، هدف های انسانی و به رسمیت شناخته شدن مسئولیت های اجتماعی توسط فرد فرد جامعه است. امروزه در جهان توسعه یافته، شهرها به صورت شرکت های رقیب عمل می کنند که تلاش دارند سهم بیشتری از بازار سرمایه، استعدادهای برجسته و توجه جهانی را به خود اختصاص دهند. بدین ترتیب برای تدارک

منظرهای شهری خوب و برجسته با یکدیگر رقابت می کنند . بنابراین منظر شهری جدا از نقش آن به عنوان لایه ای در شکل گیری فرم شهری ، به عنوان ابزاری در خدمت دولت ها و حکومت ها قرار دارد تا توان جذب گرد شگران و سرمایه های جهانی را افزایش دهد. بنابراین شهرهای برخوردار از محیط بصری مطلوب قادرند با افزایش تجربه زیباشناختی شهروندان، موجبات ارتقای تصویر ذهنی جامعه از خویش و تقویت غرور مدنی آنان را فراهم ساخته و با اعتلا بخشیدن به وجهه شهر در سطح ملی و بین المللی، توان رقابتی شهر را برای جذب هر چه بیشتر سرمایه و اقشار خلاق تقویت نماید (همان، ۱۳۸۹).

ولی متأسفانه شناخت ماهیت منظر شهری، با نوعی سطحی نگری در تعاریف علمی مواجه شده است. اغلب پروژههای اجرایی در حوزه شهر، واژه منظر شهری را به دلیل نو بودن و نگاه جدید آن بر می گزینند، اما رسماً تنها نیم نگاهی به آن انداخته می شود. خطر جدی این است که در مدت کوتاه شناخت آن در ایران، به دلیل تعاریف شخصی و سلیقه ای، تا حد یک مفهوم خرد و کوچک تقلیل یابد (آتشین بار، ۱۳۸۹).

لزوم تبیین مفهوم منظر شهری در هر حوزه تخصصی مطرح است و توجه به این موضوع بویژه در ایران، به دلیل توسعه سریع حوزه های تخصصی و رشته های نوین اهمیت بیشتری دارد (تقوایی، ۱۳۸۹).

بر این اساس اهداف تحقیق حاضر عبارت است از :

- ارایه ی تعریفی از منظر شهری و ابعاد آن
- ارایه ی عوامل موثر بر منظر شهری

## ۲- تاریخچه

شهر مجموعه ای از اشیاء و موضوعاتی است که هم جلوه صوری محیط ما را تعیین می کند و هم رفتارها و کنش های ما را تحت تأثیر قرار می دهند. این همان چیزی است که به نام " منظر شهری " می شناسیم. منظری که اساساً سطح تماس انسان و پدیده شهر است (قاسمیان، ۱۳۸۹).

منظر شهری تا قبل از دوران صنعتی و سرمایه داری اگرچه تحت تاثیر نگرش های متفاوت متافیزیکی، مذهبی، فیلسوفانه، رومانیک، طبیعت گرایانه و حتی خردگرا قرار داشته و در کشورها و تمدن های مختلف با

امکانات متفاوت فن آوری همراه بود، ولی در مجموع، شکل محیط در این دوران بیشتر از خلاقیت های ذهنی و فردی متاثر بوده و در هماهنگی بیشتر با قوانین طبیعت قرار داشته است. به طوری که مجموع دخالت های انسان در محیط زیست در کل دوران ما قبل صنعتی خللی بر ساختار و عملکرد طبیعت وارد نساخته بود.

اما این روند به تدریج با توسعه علوم و ظهور و گسترش تفکرات روشنفکری در قرن ۱۶ و ۱۷ و تداوم آنها با ابداعات صنعتی در قرن ۱۸، به کلی متحول می گردد. هر یک از این تغییرات در ایجاد تحولات اجتماعی بزرگ در کشورهای صنعتی به ویژه اروپای غربی نقش داشت. از جمله باعث افزایش رشد جمعیت، رشد صنایع و نزدیکی آنها به شهرها، کاهش سریع جمعیت روستایی به نفع جمعیت شهری و هجوم مردم به سوی مناطق شهری در جستجوی شغل و امکانات بهتر زندگی در فاصله سالهای ۱۹۰۰-۱۶۵۰ گردید. این تغییرات مجموعه دیدگاه های رومانتیک نسبت به منظر را نیز کاملاً متحول کرد، به طوریکه با ظهور سرمایه داری در نظام اقتصادی شهرهای صنعتی، نگرش انسان نسبت به محیط زیست کاملاً بر ایده های سودجویانه و عینی گرا استوار گردید و زمین نقش یک کالای اقتصادی را یافت (پریگل و ولکمن، ۱۹۹۹ به نقل از فریادی، ۱۳۷۹) این آغاز روندی بود که شهرها را به سوی حومه های بیرونی کشانید و اراضی کشاورزی را به تدریج مسخر نمود.

چنین رویکردی نسبت به محیط زیست با تسلط منطق اثبات گرایی در اواخر قرن ۱۹ و اوایل ۲۰ به چنان نگرش جامعی تبدیل می شود که تقریباً بر تمامی روند تحول منظر شهری در قرن ۲۰ سایه می افکند. منطق اثبات گرایی متشکل از دو رویکرد خردگرا و عینی گرا باعث رشد روش های علمی - تجربی در علوم و همچنین طراحی منظر و حوزه های مشابه می گردد. این روشها شیوه متمایز عملکرد گرایی را در اروپا بنا نهاد که تجدد گرایی خوانده شد و دامنه نفوذش به سراسر جهان حتی کشورهای غیر صنعتی مثل ایران کشیده شد. در منطق جدید ادارک منظر و طراحی آن از قیاس به طبیعت به سوی روشهای کمی، تجزیه و تحلیل و تبیین پدیده های طبیعی پیش رفت و به جای دیدگاه های رومانتیک تداوم یافته از گذشته مدل های عینی و قابل اثبات را جایگزین نمود.

به این ترتیب منظر شهری به ویژه از اواخر قرن ۱۹ به فرایندی کاملاً قراردادی برای تامین نیازهای مادی و رو به گسترش انسان شهرنشین تبدیل می گردد لذا ارزش های معنوی، جنبه های ادراکی و احساسی و الگوهای حیات بخش طبیعی کم کم به دست فراموشی سپرده می شود. به همین دلیل بنیان گذاران تجدد گرایی بر راه حل های منطبق بر عینیت گرایی و تولید کلان تکیه داشتند و شاید بتوان ایده رادیانت سیتی لوکوبوزینه را به

عنوان نماد آرمانی این گونه راه حل ها در طراحی شهرتلقی نمود(بحرینی، ۱۳۷۸) چنین راه حل هایی در مجموع باعث تحول منظر شهری از شکل های سازگار با طبیعت به سوی شکل های کاملاً در تقابل با آن گردید.

بارزترین نتیجه چنین نگرشی رشد شهرهای عظیم، کلان و مترکم تقریباً در تمام مراکز شهری بزرگ جهان حتی در کشورهای غیر صنعتی بوده است. از سوی دیگر در حین گسترش شهرها از قرن ۱۸ به بعد مشکلات شهر صنعتی شده به ویژه مشکلات زیست محیطی ناشی از دخالت بی رویه انسان در محیط زیست و برهم زدن طبیعت نیز آشکار می گردند. لذا تقریباً همزمان با ظهور ایده های خردگرا و عینی گرا نسبت به منظر اندیشه های دوستانه به طبیعت هم مجدداً ظاهر می گردند این اندیشه ها در اواخر قرن ۱۹ و اوایل ۲۰ با گرایش های زیبایی شناسی همراه شد و توأم با سایر علوم مشابه به ویژه بوم شناسی منظر در جهتی مخالف با عملکرد گرایی رشد می کنند(جلیکو، ۱۹۷۵ به نقل از فریادی، ۱۳۷۹)

جیمز کرنر اولین بار عبارت منظر به عنوان شهرسازی را در مجموعه سمینارهایی در سال ۱۹۹۰ تحت عناوین منظر سازنده و منظر ترمیمی مطرح نمود. در سال ۱۹۹۷ چارلز والدیم عبارت شهرسازی منظر را در برنامه کارشناسی ۱۹۹۹ در دانشکده معماری انگلستان جذب دانشجو در این رشته شروع شد. تمرکز بر شهرسازی منظر در برنامه کارشناسی ارشد معماری تحت نظارت والدیم در مدرسه معماری دانشگاه ایلینویز در دانشگاه شیکاگو در همین زمان شروع شد. چارلز والدیم در سال ۱۹۹۶ شهرسازی منظر را به عنوان یک توصیف از یک مدل در حال ظهور برای تجربه حرفه ای معماری منظر و طراحی شهری مطرح کرد. منظر در این دیدگاه تاکید مرکزی توسعه شهری به حساب می آید. مطابق با این رویکرد ساختمان ها و بقیه زیر ساخت های اصلی شهر بایستی در ارتباط با منظر طراحی شوند(بیلهارز، ۲۰۰۴: ۵۵ به نقل از فیضی و رزاقی، ۱۳۸۷).

چارلز والدیم واژه شهرسازی منظر را برای توصیف تجربیات بسیاری از طراحان برای آنچه که منظر با فرم معماری به عنوان ابزار اولیه ایجاد شهر جایگزین شده بود، به کار برد. والدیم شهرسازی منظر را همانند معماری منظر به عنوان یک رشته طراحی میانی خواند که در فضاهای میان ساختمان ها، نظام های زیر ساختی و اکولوژی طبیعی فعالیت دارند (شان، ۲۰۰۶: ۵۹ به نقل از فیضی و رزاقی، ۱۳۸۷)

### ۳- مبانی نظری منظر شهری

فضای شهری عینیتی قابل ادراک بوسیله ی شهروندان است که اطلاعات ارسالی از آن، فقط اطلاعات کالبدی و بصری نیست، بلکه اطلاعاتی است که توسط کلیه ی حواس ادراک می گردد. لذا منظر یک فضای شهری، کلیه ی اطلاعات موجود از فضا است که توسط حواس، قابل دریافت بوده و در فرآیند ادراک پردازش میگردد. اطلاعاتی از فرم، عملکرد و معنای فضا. از این رو شاخص های یک منظر در سطوحی متعدد، از سطحی تا بنیادی، خود را در این فرآیند مطرح و نمایان می سازند.

گر چه منظر شهری واژه ای نو در زبان فارسی نیست، اما از نظر تعریف، دارای حد و مرز مشخص و معینی نمی باشد. بررسی ادبیات منظر، بیانگر وسعت موضوع، مفاهیم و تعاریف گوناگون آن است. برای دست یابی به تعریف درست و همچنین حوزه تحت نفوذ منظر شهری، در ابتدا آرای برخی صاحب نظران در این حوزه مورد بررسی قرار می گیرد.

به طور کلی در آرای صاحب نظران همواره دو جنبه متفاوت از این واژه مورد نظر بوده است. برخی از متخصصان منظر شهری را واقعیتی عینی می دانند، در حالی که عده ای دیگر معتقدند، منظر شهری در ذهن شهروندان و از نگاه آنان قابل تعریف است، گروه کثیری نیز هر دو جنبه عینی و ذهنی را از خصوصیات بارز منظر شهر می دانند و در تعریف این واژه معتقدند، عین و ذهن لازم و ملزوم یکدیگر هستند.

ابتدا به بررسی نظرات افرادی همچون لینچ می پردازیم که منظر شهری را عینیتی قابل ادراک می دانند. در نگاه "کونین لینچ" شهر مانند یک بنای نفیس معماری، ساختمانی است که در فضا قد بر می افرازد، با این تفاوت که مقیاسی بزرگتر دارد و تنها با گذشت زمان شکل خود را می یابد (لینچ، ۱۳۸۷: ۹). او سه عامل ادراکی، فیزیکی و عملکردی را در منظر شهری حائز اهمیت می داند (رضا زاده، ۱۳۸۶: ۲۳) با این نگاه لینچ به دنبال پیدا کردن فرم خوب شهر، کیفیت بصری در شهر را مدنظر قرار می دهد و خوانایی محیط را بررسی می کند و برای دریافت آن، به دنبال کشف تصاویر ذهنی شهروندان از شهر است؛ تصاویری که تنها به شرح کیفیت کالبدی و بصری محیط خواهد پرداخت.

به اعتقاد جهان‌شاه پاکزاد نیز، منظر شهری چیزی است، عینی و منظر ذهنی معنایی نخواهد داشت جز چیزی که به چشم آید ولی به چشم دل (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۲۱). او معتقد است منظر شهری کلیه اطلاعات موجود از فضا است که توسط حواس قابل دریافت بوده و در فرآیند ادراک پردازش می گردد. اطلاعاتی از قبیل: فرم، عملکرد و معنای فضا و همچنین بخشی از شکل شهر است که ناظر آن را در یافت می کند. به عبارتی شکل

شهر در لایه منظر شهری به کیفیتی مستقیماً محسوس تبدیل می شود ، یعنی منظر شهر، عینیت قابل ادراک و فضای مورد ادراک ما از واقعیت موجود شهر پیرامون ماست(حبیب، ۱۳۸۰ به نقل از رسولی و رحیم دخت، ۱۳۸۸).

سید امیر سعید محمودی نیز همانند لینچ و پاکزاد، منظر شهری را واقعیتی عینی می داند که در مشاهده هر فرد به دیده می آید: "به عبارت دیگر منظر شهری توصیفی است از واقعیت موجود کالبد یک شهر که این توصیف فارغ از تصویری است که به واسطه تجربیات فرد مشاهده کننده در ذهن او نقش می بندد". (محمودی، ۱۳۸۵: ۵۸ به نقل از منصوری و دیگران، ۱۳۸۹) ویژگی های کلیدی در منظر شهری شامل پایداری ، هویت ، زیبایی و وحدت است(همان: ۲۳).

همچنین گرجی(۱۳۸۵) معتقد است ،ابعاد و ویژگی های بصری، کالبدی، فضایی ، هویتی و محیطی محلات و مناطق شهری جمعاً منظر شهری را تشکیل می دهد.

همانطور که گفته شد ،در کنار گروهی که به جنبه عینی منظر شهری توجه بسیار نشان داده اند ، متخصصانی وجود دارند که در تعریف منظر شهری بیشتر بر جنبه ی ذهنی آن تأکید کرده اند.

نظر شهری سطح تماس انسان و پدیده شهر ست، نظامی از نشانه ها که قادر به انتقال پیام در زمینه های گوناگون می باشد، امکان قرائت متن شهر و کشف و "ناویل" معانی آن را میسر می سازد. بحث اصلی منظر شهری، قرائت، تفسیر صحیح و در نهایت بازتولید کیفیاتی است که ارزش های قدیم و جدید شهر را بهم پیوند زده و موجب حفظ رابطه طبیعی انسان با محیط شهری خود(هویت شهری) میشود (فیضی و دیگران، ۱۳۸۹).

و در انتها باید از صاحب نظرانی نام برد که هر دو جنبه ی ذهنی و عینی را در تعریف منظر شهری لحاظ کرده اند و معتقدند این دو جنبه غیر قابل تفکیک از یکدیگرند.

گوردن کالن(۱۳۸۲) به عنوان اولین صاحب نظر در این زمینه، در کتاب گزیده ی منظر شهری، منظر شهری را " هنر تناسبات و یکپارچگی بخشیدن بصری و ساختاری به مجموعه ساختمان ها ، خیابان ها و مکان هایی است که محیط شهری را می سازند(کالن، ۱۳۷۷) " می داند. وی بیان می کند " اگر از من خواسته شود منظر شهری را تعریف کنم، خواهم گفت که یک ساختمان ،معماری، اما دو ساختمان منظر شهری است .زیرا به

محض اینکه دو ساختمان در کنار هم قرار می گیرند هنر منظر شهری عرضه می شود (کالن، ۲۸: ۱۳۸۷). از نظر وی منظر شهری پدیده ای است که از یک سو با درک و احساس، ویژگی های بصری و ارزش های معنوی ارتباط می یابد و از سوی دیگر با زمین، شکل، کاربری و نحوه بهره برداری از آن و به طور خلاصه با ویژگی های عینی و تجربی مرتبط می گردد. این دو جنبه متفاوت در طول تاریخ نگرش های گوناگونی را در طراحی منظر به وجود آورده اند و به همین دلیل گفته می شود "منظر منعکس کننده تاریخ گفتگو بین مردم و زمین است (کوک و وانلیبر، ۱۹۹۴).

به گفته ی او منظر شهر یک تصویر ایستا نیست، بلکه رویدادی مهیج و پویا در محیط محسوب می شود و به واسطه فراهم آوردن زنجیره ای از روابط بصری مستمر قابل درک شده و مملو از روایات عینی است .

لازم به ذکر است رلف ضمن نقد رویکرد تجربی لینچ نسبت به منظر شهر، که آن را تجریدی و دوبعدی می داند، معتقد است دیدگاه کالن نیز بسیار عینی و فیزیکی بوده و تلاش می کند تا مفهوم مکان را از طریق مولفه های نظیر موقعیت ، اجتماع ، زندگی فردی، ریشه داری و امنیت و خانه (وطن) بیان کند (حبیبی، ۱۳۸۹).

منصوری نیز از صاحب نظرانی است که منظر شهری را عضوی از جامعه شهری می داند که همراه با اهالی آن در همه ی تجربه ها و حوادث خاطره ساز، که تاریخ و ذهنیت افراد جامعه را نقش می دهد، حاضر بوده است (منصوری، ۱۳۸۳: ۷۶). به همین دلیل وی جدا کردن عین از ذهن را در تعریف منظر شهری ممکن نمی داند و به دنبال آن منظر شهری را عینیتی مستقل از انسان نمی پندارد. وی آنچه که مستقل از انسان است را کالبد معرفی می کند که علم تحلیل آن مورفولوژی است (منصوری، ۱۳۸۳: ۹۵). منظر شهری ، فهم شهروندان از شهر است که به واسطه ادارک نمادهای آن (ابعاد کالبدی شهر) و تداعی معانی مرتبط با آنها (ابعاد ذهنی و خاطره ای) صورت می گیرد. اهداف سه گانه منظر شهری : زیبا شناختی، فرهنگی- هویتی، عملکردی است. (منصوری ۱۳۸۷).

«گلکار» نیز همچون کالن، منصوری و دیگر صاحب نظران تلفیق عین و ذهن در تعریف منظر شهری، آن را متأثر از طراحی شهری دانسته و می نویسد: "قلمرو اطلاق مفهوم مذکور، مستمراً و به موازات بلوغ دانش هنر طراحی شهری مورد پالایش و صیقل قرار گرفته است" (گلکار، ۱۳۸۵: ۴۶). وی اشاره می کند که مفهوم منظر شهری از لحظه تولد تا بلوغ طراحی شهری، همچون پدیده ای زنده و پویا شاهد دگرگونی، تکامل و الگوهای متفاوتی بوده و دارای چهار حلقه می باشد؛ «منظر شهری آرایشی- تزئینی»، «منظر شهری عملکردی- برنامه



محور»، «منظر شهری ادراکی-زمینه گرا»، «منظر شهری پایدار-هوشمند» (همان). در این نگاه منظر شهری دیگری موجودی واقعی نیست، بلکه مفهومی انتزاعی و مجرد است که می تواند مستقل از کالبد شکل گیرد و همچنین قادر است فصول پی در پی تاریخ یک جامعه شهری را به نمایش بگذارد (گلکار، ۱۳۸۵).

به عقیده راسکین و به نقل از گلکار، منظر شهری چیزی بیش از یک مساله برنامه ریزی و طراحی شهری است و در درجه نخست مساله ارزش ها، اهداف انسانی و به رسمیت شناخته شدن مسوولیت های اجتماعی توسط آحاد جامعه است (گلکار، ۱۳۸۲).

به طور کلی گلکار (۱۳۸۲) منظر شهری تلفیق سه گانه ای از: منظر عینی شهر، منظر ذهنی شهر و منظر عاطفی شهر است که مبنای رفتار قرار می گیرد. منظر شهری محیطی است محسوس و موثر بر رفتار فرد و نتایج آن میزان موثر بودن محیط بر فرد، بستگی به میزان ادراک فرد دارد که خود وابسته به آمادگی ناظر برای ادراک، ظرفیت ادراکی و شرایط محیطی ادراک می باشد.

آتشین بار نیز در این زمینه معتقد است، نگاه از دریچه منظر به شهر، فرای کالبد آن بوده و در تقابل با بسیاری از نظریه های کلاسیک است. از طرف دیگر برای ارتقاء کیفیت شهر، تخصصهای مختلفی از حوزه های متفاوت بر پایه جهان دو قطبی دکارت تولید شده اند. بنابراین برای مداخله در شهر یا باید تنها کالبد آن دیده شود و یا در حوزه علوم اجتماعی و نظری مورد بررسی قرار گیرد. نظریه منظر، این جهان دو قطبی را درهم می شکند و آنرا مستقل از زمان و مکان نمی پندارد. لذا به دنبال نظریه های شکل شناسی نبوده، بلکه شهر را موجودی پویا و در حال حرکت می بیند که تغییر میکند و با خود، دامنه فرهنگ، جامعه و نگاه انسان را نیز تغییر می دهد. با این پایگاه فلسفی، منظر شهری نمیتواند تنها در کالبد، تناسبات و ابعاد شکلی خلاصه شود، نمیتواند هنر تجسمی باشد که شهر را خمیرگونه آرایش نماید. منظر شهری حامل معناست، معنایی که حاصل تجربه ساکنین از شهر در طول تاریخ است. این ماهیت نمیتواند انتزاعی باشد، با کالبد شهر در ارتباط است و مردم آن را درک می کنند (آتشین بار، ۱۳۸۹).

بهزاد فر (۱۳۸۷) در فرهنگ واژه نامه مفاهیم طراحی شهری، اجزای تشکیل دهنده منظر شهری را در سه بخش: عوامل کالبدی، عوامل غیر کالبدی و فعالیت های انسانی مورد بررسی قرار می دهد. در طرح پژوهشی صورت گرفته توسط رضا زاده (۱۳۸۶: ۲۰) عناصر موثر بر سیمای شهر، تحت عنوان سه هدف عمده بیان شده است: بصری، عملکردی، معنایی. بنتلی و همکاران نیز منظر شهری را در سه بعد بصری، عملکردی و رفتاری،

معنایی مورد بررسی قرار می دهند (همان، ۲۲: ۱۳۸۶) و به اعتقاد بیر (۱۹۹۳) امروز مفهوم منظر هر دو این جنبه ها را در بر میگیرد.

بر اساس آرای صاحب نظران، مشخص می شود که منظر شهری تنها به کالبد شهر و اجزای آن مربوط نبوده بلکه به درک شهروندان از شهر نیز بستگی دارد. از این رو در این تحقیق بر اساس مجموع تعاریفی که در بالا به آنها اشاره شد منظر شهری از سه منظر: عملکردی، هویتی، زیباشناسانه مورد بررسی قرار می گیرد.

### ۳-۲- عوامل موثر بر ادراک منظر شهری

ادراک فضا و منظر شهری که حاصل تعامل انسان با محیط شهری است، الزاما امری پویا و چند وجهی است. بررسی عوامل و سازکارهای درگیر در ادراک منظر شهری متعدد و پیچیده است. ادراک منظر شهری مبتنی بر انگیزه های انسانی و مبتنی بر ویژگی های محیطی است که در سطوح مختلفی چون منظر کالبدی و زیبایی شناختی تا تجسم ذهنی و معنایی شهر شکل می گیرد. بر این اساس افراد مختلف (شهروندان، بازدیدکنندگان، آگاهان محیطی، غریبه ها و غیره) داده های محیطی را که از طریق ویژگی های محیط شهری به نظام ادراکی او منتقل می شود دریافت و فهم کرده و بر اساس آن رفتارهای خود را نظام می بخشند. این رفتارها همچنین متأثر از انگیزه های شخصی مخاطب و نیازهای او در زمان تعامل است فرایند ادراک منظر شهری سازوکارهایی چون تجربه پویای محیط شهری، خاطره و عواملی چون رفتارهای عاطفی مخاطب، نقش اساسی در شناخت منظر شهری دارند (مطلبی، ۱۳۸۹)

### ۳-۳- فرآیند شکل گیری منظر شهری در ذهن انسان

فرآیندی که انسان در برخورد با منظر شهری طی می کند با ادراک آن و ثبت یک منظر عینی شروع شده و سپس با توجه به داده های موجود در ذهن، ناظر شروع به تجزیه و تحلیل آن کرده و نسبت به آن شناخت پیدا کرده و منظر ذهنی وی شکل می گیرد. پس از مرحله شناخت، ناظر با توجه به معیارهای موجود در ذهنش که در طول زمان شکل گرفته اقدام به ارزشگذاری کرده و آنرا خوب یا بد ارزیابی می کند و بر آن اساس واکنش از خود نشان داده و در آن محیط رفتار می کند (قاسمیان، ۱۳۸۹). بر اساس نظریه نحوه ارزیابی انسان از محیط، ذهن شهروندان به طور مداوم در حال ارزیابی منظر شهری و اجزای آن می باشد. به عبارت دیگر در هر لحظه ذهن انسان و سیمای شهر و اجزای مختلف آن در حال تعامل اند (زنگی آبادی و تبریزی، ۱۳۸۹).

مبلمان شهری: مبلمان شهری به عنوان یکی از اصلی ترین اجزای ارتباطی شهروندان با شهر، فضاها و مناظر آن، ابزاری است که علاوه بر رفع نیاز، در زیباسازی فضای شهر و به تبع آن ایجاد احساس رضایت در ساکنان نقش مؤثری ایفا می نماید (زنگی آبادی و تبریزی، ۱۳۸۹)

همواره به دلیل وجود فعالیت ها و رفتارهای گوناگون در فضاهای شهری مبلمان شهری در انواع مختلف طراحی و تولید می شود تنوع در مبلمان شهری در چند بعد صورت می گیرد یکی از مهمترین ابعاد آن در بعد عملکردی است که کارکرد مبلمان شهری را مشخص می نماید به عنوان مثال برای دور ریختن زباله در فضای شهری سطح زباله طراحی و تولید می شود که وظیفه ی آن جمع آوری مناسب زباله های تر و خشک است یا برای راهنمایی کردن استفاده کنندگان از فضای شهری به مسرها یا اماکن مهم تابلو و علائم مورد استفاده قرار می گیرد. لذا نیمکت، تندیس ها و نمادها، منابع نوری، آب نماها و فواره ها، گل جای ها، محل استقرار پرندگان، تابلوها و علائم، سایبان ها و باجه ها، یطل های زباله، ادوات آتشفشانی، صندوق های پستی، آب خوری ها، پارکومتر، برج های ساعت، جداکننده ها و حفاظ ها، پارکینگ های دوچرخه، ایستگاه های اتوبوس، کفپوش ها و غیره برای پاسخ به نیازهای گوناگون در فضای شهری طراحی و تولید شده اند. بعد دیگر در این مقوله بعد شکلی یا فرمی آن است این بدان معناست که هر مبلمانی در صدد پاسخگویی به نیازهای خاص در فضای شهری به شکل و فرمی مطلوب است. به عنوان نمونه برای اندکی استراحت کردن در فضای شهری و به تبع آن نشستن مبلمان های متفاوتی در نظر گرفت از نیمکت ها گرفته تا سکوها .

انواع مبلمان شهری در چهار بخش با کاربرد های تفریحی-رفاهی، زیباسازی، خدماتی و کاربری ترددی می باشد. (کلانتری، انصافیان، ۱۳۹۰)

لبه های شهری: یکی از مهم ترین اجزا و عناصر سیمای شهر که متمایز کننده قسمت های مختلف شهر بوده و در جدا سازی فضاهای شهری مؤثر واقع می گردد، لبه های شهری می باشند. لبه های شهری سبب می شوند تا ناظر بتواند برای فضاها در شهر حد و مرز قایل شده و در مواردی نیز ممکن است با ایجاد بی نظمی در شهر، انسجام و یکپارچگی شهر را دچار آسیب نمایند (مراد نژاد و همکاران، ۱۳۸۹).

المان شهری: هنر مردمی، یکی از عناصر مهم در شهرها محسوب می شود. این هنر گویای تاریخ و تحولات شهرهاست و دامنه آن از مجسمه های میداین تا ساختمان ها، در مقیاس شهری متغیر است. تاثیر این هنر در زمینه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر امری انکار ناپذیر است، چراکه شهروندان همه روزه در ساختمان ها و فضاهای شهری به صورت مستقیم و غیر مستقیم با این پدیده درگیر بوده و به صورت ناخودآگاه با ذهن و روان خود از آن تاثیر می گیرند. یک المان شهری به عنوان هنر مردمی، از لحاظ کیفی تاثیر بسزایی در پویایی و یا ایستایی فضاهای شهری داشته و باعث استقبال یا عدم استقبال شهروندان از آن فضا می شود. به عنوان مثال یک ساختمان شهری به عنوان هنر مردمی تاثیر مضاعفی در ارتقای زیبایی شناسی مردم و کیفیت منظر شهری و تقویت ابعاد اقتصادی، اجتماعی بافت پیرامون خود دارد (خسروی و ابراهیم پور، ۱۳۸۹).

#### ۴- مبانی تجربی منظر شهری

همان طور که در مبانی نظری بیان گردید، به طور کلی در آرای صاحب نظران همواره دو جنبه متفاوت از واژه ی منظر شهری مورد نظر می باشد. برخی از متخصصان منظر شهری را واقعیتی عینی می دانند، در حالی که عده ای دیگر معتقدند، منظر شهری در ذهن شهروندان و از نگاه آنان قابل تعریف است، گروه کثیری نیز هر دو جنبه عینی و ذهنی را از خصوصیات بارز منظر شهری می دانند و معتقدند، عین و ذهن لازم و ملزوم یکدیگر هستند. مطالعات متعددی به طور تجربی دسته ی نهایی تعریف منظر شهری را تایید نموده اند و مورد قبول اکثریت محققان قرار گرفته است لیکن پیرامون تعاریف دسته ی اول و دوم این واژه مطالعه ی تجربی صورت نگرفته است.

در تحقیق کریمی و همکاران (۱۳۸۹) منظور از منظر شهری، توجه همزمان کالبد شهر و ادراک شهروندان از شهر می باشد. براین اساس مشخص می شود که منظر شهری تنها به کالبد شهر و اجزای آن مربوط نبوده، بلکه به درک شهروندان از شهر نیز بستگی دارد. آنان بر اساس نظر کالن بیان می کنند، منظر شهری، هنر تناسبات می باشد.

از این رو اهمیت مطالعه تاثیر ساختمان های بلند مرتبه در منظر شهری نیز به دلیل تاثیرگذاری زیاد آنها در تناسبات شهری است و می تواند در ادراک شهروندان از منظر شهری موثر واقع گردد. رسولی و رحیم دخت (۱۳۸۸) نیز بر این اساس بیان می کنند منظر شهری محیطی است محسوس و موثر بر رفتار فرد و نتایج آن

، میزان موثر بودن محیط بر فرد ، بستگی به میزان ادراک فرد دارد که خود وابسته به آمادگی ناظر برای ادراک، ظرفیت ادراکی و شرایط محیطی ادراک می باشد. و از نظر آنان پیاده رو دارای اهمیت اساسی در ادراک هویت فضایی، احساس تعلق به محیط و دریافت کیفیت های محیطی می باشد.

فرجی و ملایی (۱۳۸۹) در مقاله ی خود به تحلیلی از منظر شهری و اثرات آن بر کیفیت زندگی شهروندان می پردازند و معتقدند احساس آرامشی که با حضور در یک مکان با شرایط مناسب منظر، به انسان دست می دهد در واقع پاسخی است ذهنی بر ابعاد عینی محیط شهری که حس زیبایی پسندی را بر می انگیزد. آلودگیهای منظر در شهر که به طور قابل توجهی بر سیمای شهر در شهروند تأثیر منفی می گذارد می تواند از یک فضای کثیف و درهم گرفته تا آلودگی بصری ناشی از حضور افراد ناهنجار در جامعه (معتادان، ولگردها و غیره) و آلودگی چشم انداز صوتی را در بر بگیرد.

برخی مطالعات تجربی صورت گرفته پیرامون تبیین نوسازی شهری از این منظر به این واژه نگریسته اند (مهدی زاده و همکاران، ۱۳۸۹، لطفی و دیگران، ۱۳۸۹، عباس زادگان و ساشو پور، ۱۳۸۹، یاراحمدی، ۱۳۸۹، تبریزی و همکاران، ۱۳۸۹، هاشم پور، ۱۳۸۹، رمضانی، ۱۳۸۹، بروجنی و همکاران، ۱۳۸۹، تیموری، ۱۳۸۹، مقیمی و سلطانی، ۱۳۸۹) مظهري و بيك دلي (۱۳۸۹) بیان می کنند منظر شهری سطح تماس انسان و پدیده شهر است . از این رو بخش قابل توجهی از دانش و عواطف محیطی شهروندان، تحت تاثیر آن شکل می گیرد . به عبارت دیگر، یکی از ارکان تجربه فضای شهر و ادراک حاصل از آن، منظر شهری و عناصر ساختاری تشکیل دهنده آن می باشد . به واسطه حضور این عناصر است که کلیت یک شهر، به مثابه یک متن آشکار شده و امکان قرائت و خوانش این متن فراهم می گردد . چگونگی عناصر سازنده منظر شهری و نحوه سازمان یافتگی آنها در ادراک منتج شده از متن شهر، منظر ذهنی افراد، شکل گیری تجربه حضور شهروندان در فضای شهری، ایجاد خاطره جمعی و باز تولید آن نقش بسزایی دارد.

بافت های کهن شهری، به دلیل برخورداری از ویژگی های خاص، قابلیت تبدیل به مکان هایی تازه، برای دست یابی به تجربه های شهری دیگرگونه و خلق حافظه جمعی جدید را دارا می باشند. تجربه ای که از دل ساختاری برخاسته که میراث گذشتگان است و به دنبال پیوند میان خاطره جمعی نسل کنونی با حافظه تاریخی است تا حافظه تاریخی در متن جامعه معاصر، حضوری فعال یافته و استمرار یابد . در این راستا بازخوانی مفهوم

منظر شهری و عناصر نظام دهنده آن در بافت های کهن، به عنوان یکی از بسترهای مهم شکل دهنده تجربه های شهری و خلق خاطره جمعی، از ضروریات به نظر می رسد.

دسته ای دیگر از تحقیقات که به بررسی فضای سبز و منظر شهری پرداخته اند بر این اعتقادند فضای سبز علاوه بر ایجاد ویژگی های مثبت اکولوژیکی و آسایش اقلیمی، می توانند بر منظر شهری و کیفیات فضائی مطرح در فضاهای شهری تاثیرگذار باشند. گرایش انسان به طبیعت سبب شده است همواره مجذوب آن شده و با ساخت فضاهایی طبیعی وار، هرچند مصنوع (پارکها و فضاهای سبز شهری) نیاز خود را تا حدی برطرف نماید. نقش و اهمیت فضاهای سبز در عملکردهای زیست محیطی (کاهش آلودگیها، بهبود شرایط اکولوژیکی، بهداشت محیط و سلامت شهروندان و...)، عملکردهای اجتماعی - روانی (گذران اوقات فراغت، تعاملات اجتماعی، آرام بخشی و...) و به طور کلی تأثیر آنها در پایداری شهرها خلاصه می شود. (محمدی و همکاران، ۱۳۸۹) و از آنجایی که طبیعت، محیط و مناظر طبیعی و یا نیمه طبیعی پیرامون شهر به نحوی شتابان مورد توسعه و ساخت و سازهای جدید قرار گرفته، روند رو به تخریب و نابودی خود را طی نموده و دستخوش تغییرات به سمت شهری شدن می شوند (مثنوی و دیگران، ۱۳۸۹) می بایست به ارائه راهکارهایی برای بهبود شرایط بصری - اکولوژیکی منظر شهری پرداخت. (نقضان محمدی، ۱۳۸۹؛ سلطانی و مقیمی، ۱۳۸۹؛ مثنوی و دیگران، ۱۳۸۹؛ موسوی، ۱۳۸۹؛ عابدی و دیگران، ۱۳۸۹؛ معیری نیا و دیگران، ۱۳۸۹؛ برنجی و براتی، ۱۳۸۹، نوروزی، ۱۳۸۹)

مطالعات و تجربیات دیگری پیرامون تجهیزات و منظر شهری صورت گرفته است. تجهیزات و مبلمان شهری یک شهر به عنوان یکی از ملموس ترین و در دسترس ترین عناصر تشکیل دهنده فضاهای شهری از اهمیت فراوانی برخوردار است. این عناصر به لحاظ کاربردی، به طور مستقیم با شهروندان در ارتباط بوده و طبعاً عوامل خاصی در زمینه های طراحی، ساخت و نصب بر آن ها تاثیر خواهد داشت. (پوریان، ۱۳۸۹) مبلمان شهری بخش زیادی از فعالیت ها و رفتارهای شهری را سامان داده و باعث افزایش کیفیت استفاده شهروندان از خیابان، میدان و عرصه های دیگر شهری می شود. (شکیبا، ۱۳۸۹) با توجه به این که طراحی و ایجاد مبلمان شهری از عواملی است که در ایجاد هویت، زیبایی و خوانایی شهر اهمیت فروان دارد، پژوهش های متعددی صورت گرفته است تا با ارائه راهکارهایی در مناسب سازی منظر شهری در جهت غنای هویت مکان در شهر، ارائه خدمات و ایجاد آرامش و آسایش شهروندان موثر باشد. (بردی و دیگران، ۱۳۸۹؛ شکیبا و

جوزم، ۱۳۸۹؛ پوریان و دیگران، ۱۳۸۹، بردی و دیگران، ۱۳۸۹؛ رحمت پناه، ۱۳۸۹؛ احمدی، ۱۳۸۹، شگری و دیگران، ۱۳۸۹، یوسف، ۱۳۸۹، پورجعفر و دیگران، ۱۳۸۹)

همانطور که بیان گردید سه دسته تعریف پیرامون منظر شهری وجود دارد: تعریف نظری، عینی و ترکیبی از این دو. پیرامون تعاریف اول و دوم مطالعه ای صورت نگرفته است و این دو ناقص تلقی می شوند لذا اغلب مطالعات صورت گرفته در داخل، بر بعد عینی و ذهنی با هم توجه نموده اند و این دو را لازم و ملزوم یکدیگر می دانند. براین اساس مشخص می شود که منظر شهری تنها به کالبد شهر و اجزای آن مربوط نبوده، بلکه به درک شهروندان از شهر نیز بستگی دارد.

#### ۵- بحث و نتیجه گیری:

منظر شهری صورت خاصی از شهر نیست که به مجرد دست یابی به صفات ظاهری واجد کیفیت گردد؛ بلکه مفهومی از شهر است که توسط شهروندان و بر اساس تجربه ی آن ها از مکان پدید می آید. در این تعریف منظر شهری صورت شهر نیست و قهرا نگاه کالبدی به آن راهگشا نمی تواند باشد؛ دستورالعملی هم وجود ندارد که بتواند در همه جا اجرا شود. بلکه پدیده ی سیالی است که با شناخت تجربه ی ساکنان از فضاهای شهر و نمادهای آن (منظر)، شکل می گیرد

در این تعریف برای ساماندهی و مراقبت از منظر شهر باید شهر را از دریچه چشم ساکنان دید نه طراحان؛ منظر شهر عینیت صرف نیست بلکه ذهن ادراک کنندگان شهر نیز در تشکیل آن نقش دارد. واقعیتی با نام منظر شهری تنها در کالبد، تناسبات و ابعاد مورفولوژیک خلاصه نمی شود. هنر تجسمی نیست که شهر را خمیرکونه آرایش نماید. منظر شهری حامل معناست، معنایی که حاصل تجربه ساکنین از شهر و برخاسته از فرهنگ شهر در طول تاریخ است. این ماهیت انتزاعی نیست، با کالبد شهر در ارتباط است و مردم آن را درک می کنند. حس تعلق به شهر برای ساکنین، در اثر گذشت تاریخ و تجربه است که ایجاد شده و تقویت می شود و گرنه کالبد بدون تجربه تاریخ تنها و تنها می تواند فرم زیبا داشته باشد.

بنابراین از یک دید کلی منظر شهری را می توان این گونه تعریف کرد:

منظر را از یک سو نمی توان تنها در کالبد خلاصه کرد، چون منظر کیفیت و معنا را هم در بر دارد و از سوی دیگر نمی توان مفهومی تجریدی و انتزاعی دانست، چون آن را از طریق کالبد و حواس می فهمیم. لذا منظر پدیده ای است که به واسطه ادراک ما از محیط و تفسیر ذهن، توامان حاصل می شود؛ در واقع منظر، پدیده ای است عینی - ذهنی.

منظر شهری مطلوب و نظام یافته باعث ایجاد احساسی خوشایند از زندگی در محیط شهری شده و یکی از عوامل اصلی در ارتباط بین شهر و شهروند است. هنگامیکه منظر شهری دستخوش آشفتگی، سردرگمی و بی هویتی است، این احساس به شهروندان نیز منتقل شده و بصورت رفتارهای ناهنجار شهری در محیط شهرها نمود میابد و از سوی دیگر ارتباط منطقی میان آنان با شهر را از بین میبرد.

## منابع

- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۵) سیمای شهر: آنچه کوبین لینچ از آن می فهمید، فصلنامه آبادی، سال شانزدهم شماره ۵۳، ص ۲۰-۲۶.
- رسولی، سارا و رحیم دخت خرم، سمیرا (۱۳۸۸) ایجاد منظره شهری مطلوب در مسیرهای پیاده، مجله ی آرمان شهر، شماره ۳.
- رضا زاده، راضیه (۱۳۸۶) اصول و معیارهای ساماندهی و ضوابط و مقررات سیمای شهری، طرح تحقیقاتی انجام شده در مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- فرجی ملایی، امین (۱۳۸۹) تاثیرات سیما و منظر شهری بر کیفیت زندگی و رضایت ساکنان شهرها، ماهنامه اطلاع رسانی، آموزشی و پژوهشی، شماره ۵۶.
- فریادی، شهرزاد (۱۳۷۹) بررسی تحولات اندیشه های موثر بر شکل گیری اصول طراحی منظر شهری در قرن بیستم و پس از آن، نشریه محیط شناسی، دوره ۲۶.
- فیضی، محسن و رزاقی اصل، سینا (۱۳۸۷) شهرسازی منظر: رویکردی نوین در معماری منظر و طراحی شهری، مجله ی باغ منظر، شماره دهم.



عبدالله خان گرجی، بهرام (۱۳۸۵) سیمای شهری: بعد رها شده سیاست های شهری در ایران، فصلنامه آبادی، شماره ۵۳.

کریمی مشاور و دیگران (۱۳۸۹) رابطه ی چگونگی قرارگیری ساختمان های بلند مرتبه و منظر شهری، نشریه باغ منظر، شماره سیزده، سال هفتم.

گلکار، کورش (۱۳۸۵) مفهوم منظر شهری، فصل نامه آبادی سال شانزدهم، شماره ۵۳ ص ۳۸-۴۸.

گوردن، کالن (۱۳۸۲) گزیده منظر شهری، ترجمه ی منوچهر طیبیان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

لینچ، کوین (۱۳۸۷) سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.

لینچ، کوین (۱۳۷۶) تئوری شکل شهر خوب، ترجمه ی سید حسین بحرینی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

محمودی، سید امیر سعید (۱۳۸۵) منظر شهری: مروری بر چند نظریه، فصلنامه آبادی، سال شانزدهم، شماره ۵۳، ص ۵۴-۶۲

منصوری، سید امیر (۱۳۸۳) درآمدی بر شناخت معماری منظر، فصلنامه باغ نظر، سال اول، شماره دوم، ص ۶۹-۷۸.

منصوری، سید امیر (۱۳۸۳) نقدی بر بیانیه سیما و منظر شهری: تجارب جهانی و چشم انداز آینده، فصلنامه باغ نظر سال اول شماره دوم، ص ۹۴-۹۶.

خلاصه مقالات همایش منظر شهری (۱۳۸۹) پژوهشکده فرهنگ و هنر جهاد دانشگاهی.

Cook, e.A. and vanlier, (۱۹۹۴) landscape planning and ecological networks.